

تحلیل انتقادی اسباب نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره با بهره‌گیری از گزاره‌های تاریخی

محمود قاسم‌زاده خشک‌رودی^۱، عبدالهادی فقهی‌زاده^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

چکیده

درباره نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره چند سبب نزول نقل شده که در آن به شخصیت‌ها و حوادثی اشاره گردیده است. با توجه به تأثیر اسباب نزول در حوزه تفسیر و بخش‌های مرتبط دیگر و نیز اشکالاتی که نسبت به این دسته از روایات عنوان می‌شود، بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف برای ارزیابی جامع‌تر و دقیق‌تر این روایات ضرورت دارد. یکی از راه‌های سنجش اعتبار روایات سبب نزول استفاده از مباحث تاریخی و قرائن مرتبط است، چنانکه می‌تواند در کنار دیگر شیوه‌ها، شواهد بیشتری برای ارزیابی ارائه کند. در این راستا تحقیق حاضر می‌کوشد به گزارش‌های مرتبط با شخصیت‌ها و حوادث اشاره شده در اسباب نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره مراجعه کرده و از آن‌ها برای بررسی استفاده کند. از جمله نتایج تحقیق آن است که مطابق گزارش‌های ذکر شده درباره همیاری مسلمانان برای تجهیز سپاه اسلام در جنگ تبوک، شرایط مالی افراد مرتبط و یا کمک‌های آن‌ها در موارد دیگر، اصل کمک نقل شده در دو سبب نزول نخست، اجمالا انفاقی قابل پذیرش به‌شمار می‌آید. دیگر آنکه علی‌رغم همخوانی برخی سبب نزول‌ها و سیاق آیه ۲۶۲ سوره بقره، نزول این آیه در ارتباط با برخی شخصیت‌ها، با گزارش‌های رسیده پیرامون آن افراد سازگاری ندارد. همچنین آیه ۲۶۲ سوره بقره در بین آیات مرتبط با جنگ تبوک نقل نشده و در برخی منابع، پیرامون کمک‌های مسلمانان به آیه ۴۴ سوره توبه اشاره شده است و این امر ارتباط داشتن نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره و جنگ تبوک را با تردید مواجه می‌سازد. به علاوه نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره در ارتباط با خرید چاه رومه در گزارش‌های مرتبط ذکر نشده است.

کلید واژه‌ها: روایات سبب نزول، غزوه تبوک، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، چاه رومه.

mahmoudghkh@gmail.com

faghhezad@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران؛

۲. استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛

۱- بیان مسأله

آگاهی از سبب نزول آیات یکی از قرائن مهم برای تفسیر به‌شمار آمده و برخی عالمان از اهمیت آن سخن گفته‌اند (واحدی، ۱۲؛ سیوطی، لباب النقول، ۸؛ حبری، ۹۱-۹۴؛ قرضاوی، ۲۴۹-۲۵۱). از سوی دیگر، آفت‌ها و آسیب‌هایی دامن‌گیر این روایات شده و همچون بخش‌هایی دیگر از میراث حدیثی در معرض پاره‌ای از مشکلات قرار گرفته‌اند و مراجعه به آن‌ها نیازمند ارزیابی و اعتبارسنجی است. از جمله شیوه‌های ارزیابی متن روایات سبب نزول، موافقت یا مخالفت با قرآن، سنت معتبر، گزارش‌های تاریخی و ضرورت‌های کلامی بوده است (خوش‌خاضع، ۷۶).

آیه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره، ۲۶۲) از جمله آیاتی است که سبب نزول‌هایی برای آن ذکر شده و مطابق برخی از آن سبب نزول‌ها، آیه ۲۶۲ سوره بقره در ارتباط با کمک مالی صورت گرفته برخی شخصیت‌ها، از سوی خداوند سبحان نازل شده و مطابق برخی دیگر، نزول آیه متعاقب دعای پیامبر ﷺ برای برخی شخصیت‌ها بوده است. از آن جایی که سبب نزول‌های نقل شده برای این آیه مشتمل بر نکات تاریخی بوده و به شخصیت‌ها و رویدادهایی اشاره داشته‌اند، مراجعه به مباحث تاریخی و واکاوی گزارش‌های تاریخی مرتبط تأثیرگذار خواهد بود زیرا مراجعه به منابع و گزارش‌های تاریخی، فرصت دریافت داده‌های بیشتری در خصوص شخصیت‌ها و رویدادهای طرح شده در روایات سبب نزول را فراهم می‌کند و به شناخت اشتراک‌ها، اختلاف‌ها و تعارض‌های احتمالی روایات سبب نزول با گزارش‌های تاریخی کمک می‌رساند و معیارها و قرائن بیش‌تری برای اعتبارسنجی اسباب نزول در اختیار محققان قرار می‌دهد. در نتیجه این بررسی می‌توان نشان داد آنچه در این سبب نزول‌ها نقل شده، تا چه اندازه با گزارش‌های مرتبط در دیگر منابع، هماهنگی و سازگاری دارد. همچنین مواردی که دارای

ناهماهنگی و ناسازگاری باشد، می‌تواند نوعی ضعف برای سبب نزول‌ها شمرده شود. از این‌رو، تحقیق حاضر می‌کوشد با تأکید بر مباحث تاریخی و قرائن مرتبط، به سنجش اسباب نزول نقل شده برای آیه ۲۶۲ سوره بقره بپردازد و محتوای آن‌ها را از این منظر مطالعه کند.

این مقاله به طور عمده در صدد پاسخ به دو پرسش ذیل است:

- آیا سبب نزول‌های نقل شده برای آیه ۲۶۲ سوره بقره، مشتمل بر نکاتی است که بتوان از مباحث تاریخی برای ارزیابی آن‌ها استفاده کرد؟
- مراجعه به مباحث تاریخی و قرائن مرتبط، در جهت قبول یا عدم پذیرش اسباب نزول نقل شده برای آیه ۲۶۲ سوره بقره، چه نکات و شواهدی را ارائه می‌دهد؟

۲- بررسی تفصیلی سبب نزول‌ها

با توجه به اینکه متن سبب نزول نقل شده برای آیه ۲۶۲ سوره بقره در منابع مختلف اختلاف‌هایی با یکدیگر دارد و با عنایت به چارچوب بررسی‌ها در این مقاله، مطالعه و ارزیابی پژوهش حاضر محدود به سبب نزول‌هایی خواهد بود که شهرت بیشتری در بین تفاسیر داشته و توضیحی هرچند کوتاه و مختصر از موقعیت نزول آیه ارائه داده‌اند.^۱ از این‌رو در تحقیق حاضر سبب نزول‌های ذیل مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

- در شأن عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف
- در شأن عثمان بن عفان (روایت عبدالرحمن بن سمره)
- در شأن عثمان بن عفان متعاقب دعای پیامبر ﷺ

۱. برای نمونه در تفسیر شوکانی، آنچه به عنوان سبب نزول ذکر شده است، تعبیر صریح نزول را ندارد (نک: شوکانی، ۲۸۷/۱). همچنین نقل‌های «و قیل فی علی بن ابی طالب رضی الله عنه» (ابن عطیة، ۳۵۶/۱) و «و قیل: فی علی» (ابوحیان، ۶۵۸/۲) در دیگر تفاسیر مورد بررسی، مشاهده نشد و غیر مشهور به نظر می‌رسد و علاوه بر آن، فاقد اطلاعاتی درباره زمان یا موقعیت نزول بوده است تا امکان بررسی آن از طریق گزاره‌های تاریخی میسر باشد. از همین‌رو بدان پرداخته نشد.

۲-۱. نزول آیه ۲۶۲ بقره در شأن عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف

مطابق برخی نقل‌ها، آیه ۲۶۲ سوره بقره در شأن عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف نازل شده است (برای نمونه نک: ابن جوزی، زاد المسیر، ۱/۲۳۸). متن این نقل‌ها در منابع مختلف، دارای تفاوت مختصری با یکدیگر است^۱ اما به نظر می‌رسد می‌توان در مقام بررسی، این نقل‌ها را در یک قالب مورد واکاوی و دقت قرار داد. همچنین در برخی منابع (سمرقندی، ۱/۱۷۴؛ فخررازی، ۷/۴۵)، نام راوی این سبب نزول ذکر نشده در حالی که برخی منابع دیگر (طبرانی، التفسیر الکبیر، ۱/۴۷۵ و ۴۷۶؛ بغوی (حسین بن مسعود)، ۱/۳۶۰) آن را به نقل از کلبی ذکر نموده‌اند. با توجه به اینکه نقل ثعلبی و واحدی کامل‌تر به نظر می‌رسد و جزئیات بیشتری از این سبب نزول ارائه می‌دهد (ثعلبی، ۲/۲۵۸ و ۲۵۹؛ واحدی، ۶۹)، گزارش آن‌ها محور بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که با توجه به اختلاف محتوایی مختصر این نقل در منابع مختلف، احتمال دارد برخی از نکاتی که در ادامه ذکر می‌شود (اعم از نکات مثبت یا منفی) شامل همه نقل‌های این سبب نزول در منابع مختلف نشود زیرا در برخی منابع، متن روایت فاقد برخی جزئیات است.

مطابق آنچه ثعلبی و واحدی به نقل از کلبی ذکر نموده‌اند، آیه ۲۶۲ سوره بقره در شأن عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف نازل شد. در روایت کلبی درباره عبدالرحمن بن عوف چنین آمده است که وی چهار هزار درهم خدمت پیامبر ﷺ آورد و گفت: این نصف مال من است و نصف دیگر را برای خود و همسرم باقی گذاشته‌ام. پیامبر ﷺ فرمود: خدا به تو برکت بدهد در آنچه نگه داشتی و در آنچه بخشیدی.

همچنین در این روایت، درباره عثمان بن عفان ذکر شده که او به پیامبر ﷺ گفت: در تیوک من عهده‌دار تجهیز کسانی که وسایل جنگی ندارند خواهم بود و مسلمانان را به هزار شتر با جهاز و گلیم مجهز کرد. به علاوه، به بخشیدن چاه «رُومَة» از سوی عثمان برای

۱. از جمله تفاوت‌ها آن است که در برخی منابع مثل التفسیر الکبیر طبرانی و تفسیر البغوی، در روایت کلبی به بخشیدن (یا خرید) چاه رومَة از سوی عثمان اشاره نشده است در حالی که در نقل ثعلبی، واحدی و ابن جوزی، علاوه بر تجهیز سپاه مسلمانان به بخشیدن (یا خرید) چاه رومَة نیز اشاره شده است.

استفاده مسلمانان نیز اشاره شده است.

در روایت کلبی (مطابق نقل ثعلبی و واحدی) سه رخداد (کمک عبدالرحمن، کمک عثمان، بخشیدن چاه رُومَة) گزارش شده که در متن روایت صرفاً به زمان یکی از آن‌ها (کمک عثمان در تبوک) تصریح شده است.

از آنجایی که زمان یک رویداد در سبب نزول بودن آن مؤثر است و احتمال دارد زمان رویداد با زمان نزول آیه همخوانی نداشته باشد، ضرورت دارد تا حد امکان زمان بقیه رخدادها نقل شده در روایت کلبی و نسبت زمانی آن‌ها با یکدیگر مشخص شود. در نتیجه این بررسی، تا حدود زیادی روشن می‌شود که نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره به سه رخداد مستقل و با فاصله زمانی (زیاد یا چند ساله) مرتبط شده است یا سبب نزول آیه، سه رخداد همزمان و نزدیک به همدیگر بوده است.

۲-۱-۱. زمان کمک عبدالرحمن بن عوف و بخشیدن چاه رُومَة

۲-۱-۱-۱. موقعیت زمانی کمک عبدالرحمن بن عوف

در روایت کلبی (مطابق نقل ثعلبی و واحدی) علت یا زمان کمک عبدالرحمن بن عوف به صراحت نیامده است و با توجه به اینکه او فردی ثروتمند عنوان شده و کمک‌هایی^۱ از سوی وی گزارش شده است (حاکم، ۳/۳۰۸ و ۳۱۰ و ۳۱۱؛ ابونعیم، حلیة الأولیاء، ۱/۹۸ و ۹۹؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ۳/۱۴۳)، تعیین زمان آنچه در روایت کلبی آمده دشوار به نظر می‌رسد. با این همه، می‌توان از نکاتی در روایت کلبی، مثل میزان کمک صورت گرفته یا دعای پیامبر ﷺ و نیز نقل‌های مشابه روایت کلبی بهره گرفت و زمان کمک عبدالرحمن بن عوف را استنتاج کرد.

در تفاسیر السمرقندی و البحر المحیط فی التفسیر ذیل آیه ۲۶۲ سوره بقره (بدون ذکر نام کلبی به عنوان راوی) به چنین کمکی از سوی عبدالرحمن بن عوف اشاره شده و آن را

۱. البته احتمال دارد کمک‌ها مربوط به اواخر عمر او باشد.

۲. در این زمینه همچنین نک: مزی، ۱۱/۳۲۳؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱/۸۱ و ۸۲.

در زمان اعزام به غزوه تبوک عنوان کرده است (سمرقندی، ۱۷۴/۱؛ ابوحیان، ۶۵۸/۲). همچنین در تفسیر مقاتل بن سلیمان (مقاتل بن سلیمان، ۱۸۵/۲) و التفسیر الکبیر طبرانی (طبرانی، التفسیر الکبیر، ۳۴۰/۳ و ۳۴۱) ذیل آیه ۷۹ سوره توبه، کمک مشابهی از سوی عبدالرحمن بن عوف ذکر شده و به دعای پیامبر ﷺ برای او اشاره شده و آن را هنگام آمادگی و عزیمت به جنگ تبوک عنوان نموده‌اند.

بنابراین با توجه به این موارد، می‌توان استنتاج نمود کمک عبدالرحمن بن عوف که در روایت کلبی به آن اشاره شده بود، احتمالاً در زمان جنگ تبوک واقع شده است.

۲-۱-۱-۲. موقعیت زمانی بخشیدن چاه رُومَة

در روایت کلبی (مطابق نقل ثعلبی و واحدی) آمده است عثمان بن عفان چاه «رُومَة» را به مسلمانان بخشید. چاه رُومَة یا مُزَنی یکی از چاه‌های مدینه است که به فردی یهودی (ابن قتیبة، المعارف، ۱۱۱) یا فردی از مُزَینَة (ابن سعد، ۵۰۶/۱) یا شخصی به نام رُومَة الغفاری (حازمی، ۱۰۲؛ یاقوت، ۳۵۶/۱) تعلق داشته است و عثمان آن را خریداری^۱ کرد بغوی (عبدالله بن محمد، ۲۹۳/۱ و ۲۹۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۴۱/۲ و ۴۲؛ ابن عساکر، ۷۱/۳۹).^۲

عثمان بن عفان در محاصره مخالفان، خرید و بخشش^۳ چاه رومَة را از کارهای خود عنوان کرد (ابن حنبل (احمد)، ۴۷۸/۱ و ۴۷۹ و ۵۵۸ و ۵۵۹؛ نسائی، ۹۸/۴؛ ابن شبة، ۱۵۲/۱-۱۵۵ و ۱۱۱۳/۳ و ۱۱۹۰/۴ و ۱۱۹۱).^۴

طبق برخی گزارش‌ها، به نظر می‌رسد خرید چاه رومَة به ابتدای حضور مسلمانان در مدینه باز گردد (ابن حنبل (احمد)، ۵۵۸/۱ و ۵۵۹؛ ابن قانع، ۷۳۲/۲).^۵ از سوی دیگر، در

۱. در برخی گزارش‌ها حفر آن چاه توسط عثمان مطرح شده است (نه خرید) (برای نمونه نک: بخاری، ۴۹۰ و ۶۴۸).

در زمینه جمع بین خرید و حفر چاه نک: سمهودی، ۹۶۹/۳ و ۹۷۰.

۲. در این زمینه همچنین نک: ابن اثیر، اسد الغابة، ۲۰۲/۲؛ سمهودی، ۹۶۸/۳.

۳. در این نقل‌ها اشاره خاصی به زمان خرید و بخشیدن چاه نشده است.

۴. در این زمینه همچنین نک: ابن قتیبة، الامامة و السياسة، ۳۸/۱؛ ابن منظور، ۲۰۱/۱۶ و ۲۰۲.

۵. نیز چنین روایتی نقل شده در: بغوی (عبدالله بن محمد)، ۲۹۳/۱ و ۲۹۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۴۱/۲ و ۴۲؛ ابن عساکر، ۷۱/۳۹؛ حازمی، ۱۰۲؛ یاقوت، ۳۵۶/۱؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ۲۰۲/۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، عهد الخلفاء الراشدين/۴۷۱.

کتاب تاریخ مدینه گزارشی آمده است که بیانگر خرید چاه در زمان خلافت عثمان است (ابن شبة، ۱۵۳/۱ و ۱۵۴).

شایان ذکر است در خصوص اخبار خرید چاه از سوی عثمان اشکالاتی مطرح است (مثل ضعف سند، اضطراب محتوای روایات، مخالفت مضمون این اخبار با برخی دیگر از گزارش‌های تاریخی)، نک: امینی، ۳۴۰/۹ و ۳۴۱؛ عاملی، الصحيح من سیرة الإمام علی علیه السلام، ۲۷۷/۱۸-۲۹۵؛ عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۶۳/۴-۱۶۷؛ عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۲۳/۲۹ که واکاوی آن‌ها فرصتی دیگر می‌طلبد، اما با فرض پذیرش اخبار مورد نظر می‌توان در مجموع، زمان خرید چاه رومه را به اوایل حضور مسلمانان در مدینه یا زمان خلافت عثمان مربوط دانست که در فرض دوم طبعاً سبب نزول بودن آن منتفی خواهد بود.

بنابراین مطابق دیدگاه کسانی که زمان بخشیدن چاه رومه را هنگام خلافت عثمان می‌دانند، سبب نزول شمردن آن برای آیات قرآن اساساً قابل پذیرش نیست اما بر اساس نظر افرادی که زمان این رویداد را در دوره حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه و به‌طور خاص، در اوایل حضور ایشان در مدینه فرض می‌کنند، احتمال سبب نزول بودن آن قابل فرض و بررسی خواهد بود.

۲-۱-۳. امکان همزمانی جنگ تبوک و بخشیدن چاه رومه

در روایت کلیبی آمده است که کمک عثمان بن عفان در زمان جنگ تبوک انجام شد. همچنین پیش‌تر گفته شد کمک عبدالرحمن بن عوف احتمالاً در هنگام جنگ تبوک بوده است. در این بخش این مسأله مورد نظر بوده که آیا بخشیدن چاه رومه نیز همزمان یا نزدیک جنگ تبوک رخ داده است یا اینکه بخشیدن چاه رومه و جنگ تبوک حوادثی مستقل از هم بوده‌اند، زیرا مطابق برخی از گزارش‌ها، بخشیدن چاه رومه احتمالاً به ابتدای دوره حضور مسلمانان در مدینه مربوط است.

شواهد و قرائن موجود حاکی از آن است که بخشیدن چاه رومه و جنگ تبوک مستقل از یکدیگر به وقوع پیوسته‌اند. از جمله قرائنی که می‌توان برای جداگانه بودن این دو رویداد مطرح کرد، عدم اشاره به بخشیدن چاه رومه در گزارش‌های مربوط به کمک‌های صورت گرفته برای جنگ تبوک و خصوصاً اخبار مربوط به کمک عثمان است (نک: واقدی، ۹۹۱/۳؛ ابن هشام، ۱۵۷/۴؛ بلاذری، ۴۷۱/۱).^۱

قرینه بعدی، سخنان عثمان در محاصره مخالفان است که در آن به برخی کارهای خود از جمله خرید چاه رومه و تجهیز سپاه تبوک اشاره کرد (نک: ابن حنبل (احمد)، ۴۷۸/۱ و ۴۷۹؛ نسائی، ۹۷/۴ و ۹۸؛ ابن شبة، ۱۱۱۳/۳ و ۱۱۹۰ و ۱۱۹۱)^۲ اما نوع یادکرد او این برداشت را تقویت می‌کند که از دو رویداد مستقل سخن می‌گوید.

قرینه دیگر، سخنی منسوب به ابوهریره است: «عن أبي هريرة قال: اشترى عثمان من رسول الله ﷺ الجنة مرتين: يوم رومة، و يوم جيش العسرة» (ذهبی، تاریخ الإسلام، عهد الخلفاء الراشدين/۴۷۱؛ مشابها نقل شده در: ابن منظور، ۱۲۷/۱۶) که مطابق آن رخداد مربوط به چاه رومه و جنگ تبوک (جيش العسرة) جدا از هم ذکر شده و از همین رو حوادثی مستقل به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، جنگ تبوک در ماه رجب سال نهم هجری رخ داده است (ابن هشام، ۱۵۵/۴؛ ابن سعد، ۱۶۵/۲؛ بلاذری، ۴۷۱/۱)^۳ و اختلافی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و این در حالی است که بخشیدن چاه رومه احتمالاً به اوایل حضور پیامبر ﷺ در مدینه تعلق دارد. به این ترتیب می‌توان گفت بخشیدن چاه رومه و تجهیز سپاه تبوک، رویدادهایی جداگانه و دور از هم است و همزمانی آن‌ها شاهد خاصی ندارد.

۱. در این زمینه همچنین نک: طبری، ۳۶۷/۲؛ ابن اثیر، الكامل، ۲۷۷/۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، المغازی/۶۲۸ و ۶۲۹؛

ابن کثیر، البداية و النهاية، ۵/۵؛ ابن خلدون، ۴۵۰/۲ و ۴۵۱.

۲. در این زمینه همچنین نک: ابن قتیبة، الامامة و السياسة، ۳۸/۱؛ ابن منظور، ۲۰۱/۱۶ و ۲۰۲.

۳. در این زمینه همچنین نک: یعقوبی، ۶۷/۲؛ ابن اثیر، الكامل، ۲۷۶/۲؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ۳/۵؛ ابن خلدون، ۴۵۰/۲.

۲-۱-۲. ارزیابی تاریخی روایت کلبی

برای ارزیابی روایت کلبی در پرتو مباحث تاریخی، از آن جایی که در آن به اشخاص و رویدادهایی اشاره شده، می‌توان به گزارش‌های مرتبط با آن رویدادها و اشخاص مراجعه کرد و بررسی نمود نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره تا چه اندازه در آن اخبار منعکس شده است و سبب نزول بودن آن چه شواهد و مستندات دارد.

شایان ذکر است که عدم نقل نزول آیه در منابع تاریخی الزاماً به معنای نفی نزول آیه در شأن آن اشخاص یا برای آن وقایع قلمداد نمی‌شود اما از آن جایی که در برخی منابع تاریخی گزارش‌هایی درباره نزول آیات قرآن مشاهده می‌شود و انتظار می‌رود در صورت نزول آیه‌ای از قرآن بدان اشاره شده باشد، عدم نقل نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره از سوی آن منابع می‌تواند نقطه ضعفی به شمار آید و در کنار دیگر قرائن، برای ارزیابی سبب نزول کمک‌رسان باشد.

۲-۱-۲-۱. شرح حال عبدالرحمن بن عوف

در گزارش‌های مربوط به زندگانی عبدالرحمن بن عوف، گاهی به برخی کمک‌های مالی او در زمان حیات پیامبر ﷺ و پس از آن اشاره شده و در مواردی او را اهل آیه ۱۸ سوره فتح عنوان کرده‌اند. همچنین از وی در خصوص نزول آیه ۱۵۴ سوره آل عمران و ۸۸ سوره نساء مواردی نقل شده است. با این همه، در گزارش‌های مربوط به او، از نزول آیه ۲۶۲ بقره در شأن کمک‌های وی سخنی طرح نشده است (در این زمینه گزارش‌های ذیل ملاحظه شد: ابن‌سعد، ۳/۱۲۴-۱۳۷؛ ابن‌حنبل (احمد)، ۳/۱۹۲-۲۱۸؛ ابن‌قتیبه، المعارف، ۱۳۷).^۱

بنابراین با وجود اینکه می‌توان با استناد به برخی کمک‌های مالی گزارش شده درباره

۱. همچنین گزارش‌های ذیل بررسی گردید: طبرانی، المعجم الکبیر، ۱/۱۲۶-۱۳۶؛ حاکم، ۳/۳۰۶-۳۱۲؛ ابونعیم، حلیة الأولیاء، ۱/۹۸-۱۰۰؛ ابن‌عبدالبر، ۲/۳۹۳-۳۹۸؛ ابن‌جوزی، صفة الصفوة، ۱/۱۵۸-۱۶۱؛ ابن‌اثیر، اسد الغابة، ۳/۱۴۱-۱۴۵؛ مزی، ۱۱/۳۲۲-۳۲۵؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، عهد الخلفاء الراشدين/۳۹۰-۳۹۶؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱/۶۸-۹۲؛ صفدی، ۱۸/۲۱۰-۲۱۳؛ ابن‌حجر، الاصابة، ۲/۴۱۶ و ۴۱۷؛ ابن‌حجر، تهذیب التهذیب، ۶/۲۲۱ و ۲۲۲؛ کاندهلوی، ۲/۱۷۵ و ۱۷۶.

عبدالرحمن بن عوف، تجهیز سپاه مسلمانان برای جنگ تبوک از سوی عبدالرحمن بن عوف را نیز پذیرفت اما عدم یاد کرد از نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره ذیل شرح حال او، پذیرش ارتباط نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره با کمک عبدالرحمن بن عوف را با چالش مواجه می‌سازد.

۲-۲-۱-۲. شرح حال عثمان بن عفان

با توجه به اینکه گفته شده آیه ۲۶۲ سوره بقره در شأن عثمان بن عفان نازل شده است می‌توان انتظار داشت که در کتاب‌های تراجم ذیل شرح حال او از نزول این آیه ذکری به میان آمده باشد، چنانکه در شرح حال دیگران چنین نکاتی گزارش شده است (برای نمونه نک: ابن سعد، ۲۴۸/۳؛ ابونعیم، معرفة الصحابة، ۲۸۷/۱ و ۲۹۱؛ ابن عبدالبر، ۴۹۶/۳-۴۹۸).^۱

ملاحظه گزارش‌های مربوط به زندگانی عثمان بن عفان نشان می‌دهد با آن‌که گاهی از نزول آیه ۴۳ سوره اعراف و آیه ۹ سوره زمر در ارتباط با او سخن گفته‌اند و هم‌چنین در برخی موارد او را مصداقی برای چند آیه دیگر ذکر کرده‌اند، سخنی درباره‌ی ارتباط او با آیه ۲۶۲ بقره مشاهده نمی‌شود و نزول این آیه را در شأن وی گزارش نکرده‌اند (در این زمینه گزارش‌های ذیل ملاحظه شد: ابن سعد، ۵۳/۳-۸۴؛ ابن حنبل (احمد)، ۴۵۹/۱-۵۵۱ و ۵۵۲-۵۶۲؛ بخاری، ۶۴۸-۶۵۱).^۲

۳-۲-۱-۲. گزاره‌های تاریخی مربوط به جنگ تبوک

در برخی منابع تاریخی غالباً علاوه بر شرح وقایع یک حادثه، آیات نازل شده در

۱. در این زمینه همچنین نک: ابن اثیر، اسد الغابة، ۳۲۶/۴؛ ابن حجر، الاصابة، ۱۸۹/۱ و ۳۳۶.
 ۲. همچنین گزارش‌های ذیل بررسی گردید: مسلم، ۱۰۳۹-۱۰۴۱؛ ابن حنبل (عبدالله)، ۶۰، ۷۲، ۸۴، ۱۰۵، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۵۷-۱۵۹، ۱۷۱ و ۱۷۲؛ ابونعیم، حلیة الأولیاء، ۵۵/۱-۶۱؛ ابن عبدالبر، ۶۹/۳-۸۵؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ۲۱۵/۳-۲۲۴؛ ابن منظور، ۱۰۹/۱۶-۲۷۴؛ مزی، ۴۴۹/۱۲-۴۶۰؛ ابن حجر، الاصابة، ۴۶۲/۲ و ۴۶۳.
 ذکر این نکته نیز مناسب است که در صحیح بخاری، کتاب الزکاة، باب «المنان بما أعطی» آیه ۲۶۲ سوره بقره ذکر شده است اما اشاره‌ای به ارتباط آن با جنگ تبوک یا کمک عثمان و عبدالرحمن بن عوف نشده است، نک: «باب المنان بما أعطی». لقوله: «الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما أنفقوا باب...» (بخاری، ۲۴۹). در شرح ابن حجر نیز در این خصوص مطلبی نیامده است، نک: ابن حجر، فتح الباری، ۳/۳۵۰.

ارتباط با آن حادثه نیز نقل می‌شود و با توجه به اینکه مطابق روایت کلبی، نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره با جنگ تبوک دارای ارتباط است، ملاحظه گزارش‌های مربوط به جنگ تبوک از این جهت دارای اهمیت خواهد بود. در این راستا دو دسته از گزارش‌های مربوط به جنگ تبوک قابل بررسی خواهد بود:

■ گزارش‌هایی از جنگ تبوک که در آن نزول آیاتی از قرآن کریم ذکر شده است، زیرا انتظار آن است که اگر آیه ۲۶۲ سوره بقره به این جنگ ارتباط دارد و برای آن جنگ نازل شده در این گزارش‌های مرتبط نیز ذکر شده باشد،

■ گزارش‌هایی که به کمک‌های صورت گرفته برای تجهیز سپاه اسلام در جنگ تبوک پرداخته‌اند؛ در نتیجه مطالعه این گزارش‌ها مشخص می‌شود آیا نزول آیه‌ای از قرآن در شأن آن کمک‌ها نقل شده است یا خیر.

۲-۱-۲-۳-۱. گزارش‌های مربوط به آیات نازل شده درباره جنگ تبوک

در ارتباط با جنگ تبوک، گزارش‌هایی نقل شده است که گاهی صرفاً به چند آیه اشاره داشته و در برخی موارد، آیات متعددی را ذکر نموده که مشتمل بر حوادث پیش از عزیمت به تبوک تا بازگشت به مدینه است اما با این حال، در آن‌ها سخنی از نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره طرح نشده است (در این زمینه نک: واقدی، ۱۰۲۲/۳-۱۰۲۵ و ۱۰۶۰-۱۰۷۶؛ ابن هشام، ۱۵۶/۴، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۹۲-۱۹۶؛ طبری، ۳۶۷/۲، ۳۶۸، ۳۷۲ و ۳۷۴).^۱ قابل توجه آنکه واقدی در گزارش آیات مرتبط با جنگ تبوک، اتفاقاً به آیه‌ای در خصوص کمک‌های صورت گرفته اشاره کرده اما این آیه، آیه ۴۴ سوره توبه بوده (نه آیه ۲۶۲ سوره بقره) و به هر حال، در این میان از کمک فرد خاصی یاد نشده است (واقدی، ۱۰۲۲/۳ و ۱۰۲۳؛ نیز مشابهاً آمده در همان، ۱۰۶۲). هم‌چنین در سیره ابن هشام، هنگام

۱. در این زمینه همچنین نک: ابن اثیر، الکامل، ۲۷۷/۲ و ۲۸۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، المغازی / ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۲، ۶۵۲، ۶۵۷ و ۶۵۸؛ فقیه، ۳۴۲/۵، ۳۴۴-۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۸۷، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۸-۴۴۹ و ۴۵۱؛ نیز صرفاً به نزول آیاتی از سوره توبه اشاره اجمالی شده نک: ابن خلدون، ۴۵۲/۲

ذکر آیات نازل در خصوص جنگ تبوک، به آیه ۷۹ سوره توبه اشاره شده و ناظر به کمک عبدالرحمن بن عوف، عاصم بن عدی و ابو عقیل عنوان شده است (ابن هشام، ۱۹۵/۴). بنابراین عدم یاد کرد از آیه ۲۶۲ سوره بقره در گزارش‌هایی که به آیات نازل شده درباره جنگ تبوک اشاره داشته‌اند، ارتباط نزول این آیه با جنگ تبوک را با تردید مواجه می‌سازد، خصوصاً آنکه در مواردی که به آیه‌ای درباره کمک‌های انجام شده (به‌منظور تجهیز سپاه اسلام در جنگ تبوک) اشاره شده است، آن آیه غیر از آیه ۲۶۲ سوره بقره بوده است.

۲-۱-۲-۳-۲. گزارش‌های مربوط به کمک‌های صورت گرفته برای تجهیز

سپاه اسلام به سوی تبوک

در اخبار مربوط به کمک‌های صورت گرفته جهت تجهیز سپاه مسلمانان در جنگ تبوک، از کمک عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان نیز یاد شده است (واقعی، ۹۹۱/۳؛ ابن‌هشام، ۱۵۷/۴؛ ابن حنبل (احمد)، ۲۴۷/۲۷ و ۲۳۱/۳۴ و ۲۳۲).^۱ شایان ذکر است در این گزارش‌ها به کمک عبدالرحمن و دعای پیامبر ﷺ اشاره شده اما از نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره یاد نشده است.

در رابطه با کمک عثمان بن عفان، علاوه بر گزارش‌های مربوط به تبوک، می‌توان به سخنان عثمان (خصوصاً در محاصره مخالفان) توجه نمود که در آن به برخی کارهای خود، از جمله تجهیز سپاه اسلام برای جنگ تبوک اشاره کرده است (ابن حنبل احمد، ۴۷۸/۱ و ۴۷۹؛ بخاری، ۴۹۰؛ ابن شبة، ۱۱۱۳/۳).^۲ در این گزارش‌ها، با وجود اینکه گاهی به میزان کمک و دعای پیامبر ﷺ نیز اشاره شده اما نزول آیه‌ای از قرآن گزارش نشده است.

بنابراین کمک صورت گرفته از سوی عثمان بن عفان جهت تجهیز سپاه مسلمانان به

۱. در این زمینه همچنین نک: ترمذی، ۴۴۴/۵ و ۴۴۵؛ بلاذری، ۴۷۱/۱؛ طبری، ۳۶۷/۲؛ ابن‌اثیر، الکامل، ۲۷۷/۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، المغاز / ۶۲۸ و ۶۲۹؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ۵/۵؛ ابن خلدون، ۴۵۰/۲ و ۴۵۱؛ دیاربکری، ۱۲۳/۲؛ فقیه، ۳۳۹-۳۴۱؛ کاندهلوی، ۱۷۳/۲-۱۷۵.

۲. در این زمینه همچنین نک: ترمذی، ۴۴۴/۵؛ نسائی، ۹۷/۴ و ۹۸؛ ابن‌منظور، ۲۰۱/۱۶ و ۲۰۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، عهد الخلفاء الراشدين / ۴۶۹.

سوی تبوک، با توجه به سخنان وی، گزارش‌های مربوط به اموال او و نیز گزارش‌های جنگ تبوک، اجمالا قابل قبول به نظر می‌رسد اما نکته قابل ذکر آن است که نزول آیه در این گزارش‌ها نقل نشده و از همین رو سبب نزول بودن کمک عثمان بن عفان برای آیه ۲۶۲ سوره بقره با تردید مواجه خواهد شد.

۲-۱-۲. گزارش‌های مربوط به خرید چاه رومه

در گزارش‌هایی که به چاه رومه و خرید آن اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: ابن سعد، ۵۰۵/۱ و ۵۰۶؛ ابن شبة، ۱۵۲/۱-۱۵۵؛ بخاری، ۴۹۰ و ۶۴۸)^۲، مطلبی درباره نزول آیه‌ای از قرآن ناظر به آن وجود ندارد که بتوان آن را به مثابه سبب نزول آن در نظر گرفت. از این رو باید گفت پذیرش خرید چاه رومه به عنوان سبب نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره در گزارش‌های مربوط به خرید این چاه، بازتاب نیافته و قبول آن به عنوان سبب نزول از این منظر شاهدی ندارد.

۲-۲. نزول آیه ۲۶۲ بقره در شأن عثمان بن عفان (روایت عبدالرحمن بن سمره)

براساس آنچه در تفسیر بغوی از عبدالرحمن بن سمره نقل شده، عثمان بن عفان برای جنگ تبوک (جیش العسرة) هزار دینار نزد پیامبر ﷺ آورد و رسول اکرم ﷺ فرمودند عثمان دیگر ضرر نمی‌کند و آیه نازل شد (بغوی (حسین بن مسعود)، ۳۶۰/۱). در تفسیر خازن نیز چنین روایتی نقل شده است (خازن، ۱۹۹/۱).

مشابه چنین روایتی از عبدالرحمن بن سمره در منابع مختلف نقل شده و نکته حائز اهمیت آن است که در نقل‌های این منابع (از عبدالرحمن بن سمره)، نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره ذکر نشده است (ابن حنبل (احمد)، ۲۳۱/۳۴ و ۲۳۲؛ ترمذی، ۴۴۵/۵؛ ابن ابی عاصم، ۵۸۷/۲؛ ابن حنبل (عبدالله)، ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۵؛ طبرانی، المعجم الأوسط، ۲۳۵/۶ و ۲۳۶؛

۱. در این دو روایت صحیح بخاری، از حفر چاه سخن گفته شده است (نه خرید).

۲. در این زمینه همچنین نک: ابن قتیبة، المعارف، ۱۱۱؛ یاقوت، ۳۵۶/۱ و ۳۵۷؛ حازمی، ۱۰۲؛ سمهودی، ۹۶۷/۳-۹۷۱.

حاکم، ۱۰۲/۳؛ ثعلبی، ۲۵۹/۲؛ ابونعیم، حلیة الأولیاء، ۵۹/۱؛ بیهقی، ۲۱۵/۵.^۱ این منابع از نظر زمانی، متقدم‌تر از تفسیر بغوی و خازن هستند و قدمت تاریخی بیشتری دارند، از این رو عدم گزارش نزول آیه در نقل‌های روایت عبدالرحمن بن سمره در این منابع، می‌تواند نقطه ضعف برای سبب نزول بودن این روایت شمرده شود و در نتیجه، اعتبار نقل تفسیر بغوی و خازن را با تردید جدی مواجه سازد.^۲

به علاوه در بخش‌های قبل گفته شد ذیل شرح حال عثمان بن عفان، سخنی پیرامون نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره در شأن وی مشاهده نمی‌شود و این نکته، مشکلی مضاعف برای پذیرش روایت عبدالرحمن بن سمره به عنوان سبب نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره خواهد بود.

۲-۳. دو مشکل درباره روایت کلبی و روایت عبدالرحمن بن سمره

با توجه به مطالبی که تاکنون درباره روایت کلبی و روایت عبدالرحمن بن سمره طرح شد و نیز با عنایت به مباحث مرتبط با این دو روایت، نکاتی مربوط به آن دو روایت ارائه می‌گردد. تبیین این نکات کلی از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند قرینه‌هایی در جهت ارزیابی این روایت‌ها باشد و در نهایت به شناخت دقیق‌تر اعتبار روایت کلبی و عبدالرحمن بن سمره کمک کند.

۲-۳-۱. اختلاف‌ها در خصوص مقدار کمک عثمان

اختلافاتی که در این بخش بدان اشاره می‌شود، الزاما مانع پذیرش کمک عثمان بن عفان

۱. آنچه از عبدالرحمن بن سمره در این منابع (به جز تفسیر ثعلبی) نقل شده، همگی دارای چنین بخش مشترکی در سند است: (... عن ((عبدالله)) یا (ضمره)) بن شاذب، عن عبدالله بن القاسم، عن کثیر (مولى عبدالرحمن بن سمره)، عن عبدالرحمن بن سمره).

۲. درباره اشکال اخیر در ارتباط با روایت عبدالرحمن بن سمره، لازم به ذکر است که آنچه در تفسیر بغوی و خازن نقل شده و مستند این سبب نزول محسوب می‌شود، بدون ذکر سند بوده و مشخص نشد که راویان حدیث تا عبدالرحمن بن سمره چه کسانی بوده‌اند اما آنچه از عبدالرحمن بن سمره در منابع دیگر (به جز تفسیر ثعلبی) بررسی شد (و ذکر گردید که فاقد گزارش نزول هستند)، همراه ذکر سند و اسامی راویان بوده است.

نمی‌شود و با توجه به آنچه در مورد اموال او و تجارت وی گزارش شده (برای نمونه نک: ابن‌سعد، ۶۰/۳ و ۷۶)، چنان کمکی اجمالاً قابل قبول به نظر می‌رسد اما این اختلاف‌ها، گاهی میزان کمک صورت گرفته را مورد مناقشه قرار می‌دهد که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

براساس روایت کلبی (مطابق نقل ثعلبی و واحدی)، عثمان بن عفان به پیامبر ﷺ وعده داد کسانی را که وسایل جنگی نداشتند، تجهیز کند و آورده‌اند که او مسلمانان را به هزار شتر با جهاز و گلیم مجهز کرده است (مشابه این وعده در برخی گزارش‌ها قابل مشاهده است نک: واقدی، ۹۹۱/۳؛ ابن‌شبه، ۱۱۱۳/۳). همچنین براساس روایت عبدالرحمن بن سمره، عثمان بن عفان هزار دینار نزد پیامبر ﷺ آورد.

در این خصوص، توجه به سه نکته حائز اهمیت است:

نکته اول آن‌که بر پایه پاره‌ای از گزارش‌ها افرادی به دلیل ناتوانی در تأمین وسایل جنگی از همراهی با سپاه اسلام بازماندند. برای نمونه، روایتی از ابن‌عباس بیانگر بازماندن برخی افراد از شرکت در جنگ تبوک است (ذهبی، تاریخ الإسلام، المغازی / ۶۲۸). افزون بر این، گفته می‌شود جمعی از صحابه خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و برای عزیمت به تبوک درخواست وسیله (مرکوب) کردند؛ اما پیامبر ﷺ در آن برهه عملاً امکان کمک نداشتند و آنان گریه‌کنان بازگشتند (واقدی، ۹۹۳/۳ و ۹۹۴؛ ابن‌هشام، ۱۵۷/۴ و ۱۵۸؛ ابن‌سعد، ۱۶۵/۲). این قضیه در آیه «وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لَتَرِحُنَّهُمْ قُلْتَ لَا أُجِدُّ مَا أُحْمِلُهُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَاعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِّنَ الدَّمَاعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ» (التوبه، ۹۲) بازتاب یافته است. البته آنچه در آیه ۹۲ و برخی از گزارش‌ها آمده، فاقد اشاره صریح به سرانجام این قبیل افراد است و شاید چنان‌که در برخی از دیگر گزارش‌ها آمده، آنان نهایتاً راهی تبوک شده باشند.

■ نکته دوم آن‌که گزارش‌های زیادی، صرفاً به کثرت یا مقدار کمک عثمان در مقایسه با دیگران اشاره کرده‌اند و در خصوص رفع نیازهای سپاه اسلام، آن‌گونه که در متن روایت کلبی (مطابق نقل ثعلبی و واحدی) آمده (علیّ جهاز من لا جهاز له فی غزوة تبوک)،

۱. در این زمینه همچنین نک: یعقوبی، ۶۷/۲؛ ابن‌اثیر، الكامل، ۲۷۷/۲.

سخنی مطرح نکرده‌اند (ابن هشام، ۱۵۷/۴؛ ابن حنبل (احمد)، ۲۴۷/۲۷ و ۲۳۲/۳۴؛ بلاذری، ۴۷۱/۱).

■ نکته سوم، اختلافاتی است که درباره‌ی مقدار کمک عثمان بن عفان گزارش می‌شود و مقادیر گوناگونی در خصوص کمک او نقل شده است (برای مشاهده اختلاف در مقدار کمک نک: عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، ۱۱۷/۲۹-۱۱۹).

۲-۳-۲. ضعف سندی و احتمال وجود انگیزه‌های جعل

با توجه به اشکالات و چالش‌هایی که درباره روایت کلبی و عبدالرحمن بن سمره در بخش‌های قبل مطرح شد، احتمال وقوع تحریف در این دسته از روایت‌ها قابل تصور است، هرچند اثبات جعلی بودن یک روایت به پژوهش تفصیلی و جامع‌تری نیاز دارد (برای اشکالات و چالش‌های طرح شده نک: عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، ۱۰۷/۲۹-۱۳۳؛ امینی، ۲۷۴/۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱؛ حسنی، سیرة المصطفی، ۶۲۶ و ۶۲۷). در خصوص کمک عثمان با بیش از یک روایت مواجه هستیم که ناظر به آن‌ها اشکالاتی نیز مطرح شده است و در ادامه مواردی ذکر می‌گردد. برای نمونه به عقیده برخی، تأکید بر وجود احتیاج مالی در بین مسلمانان، برای زمینه‌سازی طرح برخی فضائل است؛ حال آنکه چالش اساسی در جنگ تبوک، نیاز مالی نبوده بلکه ترس از بنی‌آصفر بوده است (عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، ۱۱۰/۲۹ و ۱۱۱). هم‌چنین گفته می‌شود حجم کمک صورت گرفته بعید به نظر می‌رسد و احتمال دارد برای توجیه برخی اقدامات در سال‌های بعدی مطرح شده باشد (عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، ۱۲۳/۲۹-۱۲۴ و ۱۳۲). به علاوه در کتاب الغدير، تعدادی از روایات که دارای مضمون و محتوای مشابه روایت کلبی و عبدالرحمن بن سمره هستند، از جهت سندی و محتوایی مورد نقد قرار

۱. در این زمینه همچنین نک: ترمذی، ۴۴۴/۵ و ۴۴۵؛ طبری، ۳۶۷/۲؛ ابن اثیر، الكامل، ۲۷۷/۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، المغازی/ ۶۲۸ و ۶۲۹ و عهد الخلفاء الراشدين/ ۴۷۰؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ۵/۵؛ ابن خلدون، ۴۵۱/۲

گرفته است (امینی، ۳۳۵/۹-۳۳۸ و ۳۴۵-۳۴۰). برخی نیز ضمن اشاره به اختلاف مضامین روایات، مشکل غریب یا مرسل بودن، مخالفت برخی تعبیر آن با آیه ۷ و ۸ سوره زلزله، می‌نویسند «و من الجائز ان یکون عثمان قد ساهم فی تسریح هذا الجیش کما ساهم غیره من المسلمین، و قد جاء فی اکثر المرویات ان النساء ساهمن بحلیهن فی هذه الغزوة و شارکن الرجال فی ذلك»^۱ (حسنی، سیره المصطفی، ۶۲۶ و ۶۲۷).

۲-۴. نزول آیه ۲۶۲ بقره در شأن عثمان بن عفان متعاقب دعای پیامبر ﷺ

براساس روایتی از ابوسعید خدری (طبرانی، التفسیر الکبیر، ۴۷۶/۱؛ ثعلبی، ۲۵۹/۲؛ واحدی، ۷۰ و ۶۹)، آیه ۲۶۲ سوره بقره در پی دعای پیامبر ﷺ برای عثمان بن عفان نازل شده است. مطابق این روایت، پیامبر ﷺ برای عثمان دست به دعا برداشت و فرمود: خداوندا من از او راضی هستم، از او راضی باش. دست پیامبر ﷺ تا طلوع فجر (به دعا) بلند بود و آیه ۲۶۲ سوره بقره نازل شد.

در روایت ابوسعید زمان رویداد و نیز علت دعای پیامبر ﷺ صراحتاً نیامده است، هرچند احتمال دارد مانند روایت کلبی (که در بخش‌های قبل بررسی شد)، به مناسبت تجهیز سپاه مسلمانان در جنگ تبوک یا خرید چاه رومه انجام شده باشد (برای این احتمال نیز نک: محب الطبری، ۲۸/۳).

چنین دعایی از پیامبر ﷺ برای کمک عثمان در جنگ تبوک نقل شده است (ابن هشام، ۱۵۷/۴)، اما چنین دعایی از پیامبر ﷺ برای کمک عثمان در موقعیتی دیگر نیز نقل شده است (ابن منظور، ۱۲۳/۱۶) و این امر، تعیین زمان مربوط به روایت ابوسعید خدری را دشوار می‌سازد.

به هر حال، چنانچه روایت ابوسعید خدری مربوط به جنگ تبوک یا چاه رومه باشد،

۱. همکاری عثمان در تجهیز این سپاه قابل پذیرش است، همچنانکه دیگر مسلمانان نیز همکاری کرده‌اند. در بیشتر روایات آمده که زنان در این غزوه با دادن زیورهای خود همراهی می‌کردند و با مردان در این کار شرکت داشتند (حسنی، ترجمه سیره المصطفی، ۳۲۸/۲).

نکات پیشین (که ذیل روایت کلبی و عبدالرحمن بن سمره آمد) درباره آن قابل طرح مجدد است. در این بخش ارتباطی بین روایت ابوسعید خدری با جنگ تبوک فرض نمی‌شود و به بیان دو نکته مرتبط با روایت ابو سعید اکتفا می‌کنیم:

۲-۴-۱. بسامد اشاره به نزول آیه پس از دعای پیامبر اکرم ﷺ

طبرانی در تفسیر خود، سخن ابوسعید خدری را نقل کرده که مشتمل بر گزارش نزول آیه نیز هست (طبرانی، التفسیر الکبیر، ۴۷۶/۱؛ نیز آمده در: قرطبی، ۱۹۹/۳). از سوی دیگر، دعایی که از ابوسعید خدری نقل شده، در منابع دیگری نیز آمده است (ابن سمعون، ۱۰۷؛ ابن جوزی، صفة الصفوة، ۱۳۳/۱؛ ابن جوزی، التبصرة، ۴۳۵) جز اینکه در این موارد، به نزول آیه پس از دعای پیامبر ﷺ اشاره نشده و همین امر، می‌تواند وضعی برای سبب نزول بودن آن قلمداد شود.

۲-۴-۲. میزان اشاره به نزول این آیه در مورد عثمان

چنانکه پیش‌تر گفتیم ذیل شرح حال عثمان در منابع مختلف، ارتباطی میان عثمان و آیه ۲۶۲ سوره بقره مشاهده نمی‌شود؛ توضیح آنکه ذیل شرح حال (یا فضائل) عثمان، مشابه دعای ذکر شده از سوی ابوسعید خدری (ابن حنبل (عبدالله)، ۱۲۴ و ۱۲۵؛ ابونعیم، فضائل الخلفاء، ۵۲؛ ابن منظور، ۱۲۳/۱۶)، دعاهای پیامبر ﷺ بعد از تجهیز سپاه از سوی عثمان (ابن منظور، ۱۲۴/۱۶-۱۲۷) و نیز سخن ابوسعید خدری (ابن منظور، ۱۲۴/۱۶)، قابل مشاهده بوده اما به نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره اشاره نشده است. این مطلب می‌تواند برای روایت ابوسعید خدری به عنوان روایتی که سبب نزول آیه را ذکر نموده، نقطه ضعف به شمار آید.

۱. در این زمینه همچنین نک: ابن جوزی (سبط ابن جوزی)، ۶۳/۶؛ محب الطبری، ۲۸/۳؛ ابن منظور، ۱۲۴/۱۶؛ ذہبی، تاریخ الإسلام، عهد الخلفاء الراشدين / ۴۷۰؛ ابن کثیر، البداية و النہایة، ۲۲۲/۷؛ ابن حدید، ۵۹ و ۶۰؛ سیوطی، جمع الجوامع، ۵۴۱/۲۲؛ عاصمی، ۵۴۴/۲.

۳- بررسی مباحث و قرائن کلی

۳-۱. سیاق و محتوای آیه

از جمله مواردی که می‌تواند در ارزیابی روایات اسباب نزول مورد استفاده قرار گیرد، واکاوی تناسب یا ناسازگاری این روایات با آیه مربوطه است (برای نمونه نک: طباطبایی، ۲۷۶/۴، ۳۶۳/۱۱، ۱۸۴/۱۳، ۱۱۳/۱۴ و ۴۱۱/۱۷) و از همین‌رو، بررسی محتوا و سیاق آیه ۲۶۲ سوره بقره مورد نظر خواهد بود.

خدای سبحان در آیات ۲۶۱-۲۷۴ سوره مبارکه بقره، مؤمنان را به انفاق تشویق نموده و جهات مختلف این مسأله را بیان کرده و اجر عظیم انفاق را یادآور شده است (طباطبایی، ۴۰۴/۲ و ۴۰۵). در آیه ۲۶۲ سوره بقره، خداوند متعال به کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و بر شخص گیرنده، منت نمی‌گذارند و او را نمی‌رنجانند، وعده می‌دهد که پاداش آن‌ها نزد پروردگارش محفوظ است و در آخرت هیچگونه ترسی ندارند و اندوهگین نمی‌شوند (جوادی آملی، ۳۳۶/۱۲).

به این ترتیب، تشویق و ترغیب به انفاق در این آیات مورد اشاره بوده است و می‌توان گفت مطابق دیدگاه کسانی که هماهنگی سیاق آیه و سبب نزول را شرط پذیرش سبب نزول می‌دانند، سبب نزول‌هایی که با چنین سیاقی (تشویق به انفاق) سازگاری و تناسب نداشته باشد، واجد شرایط پذیرش نخواهد بود. از سوی دیگر، می‌توان گفت در صورتی که سبب نزول نقل شده برای آیه ۲۶۲ سوره بقره، با سیاق این آیه (که ترغیب به انفاق است) همخوانی داشته باشد، این هماهنگی می‌تواند نکته مثبتی برای پذیرش آن سبب نزول شمرده شود.

بنابراین با توجه به آنچه درباره سیاق آیه ۲۶۲ سوره بقره ذکر شد، می‌توان گفت دو سبب نزول نخست با سیاق آیه که تشویق به انفاق است، سازگاری دارند و از این منظر، مشکلی برای پذیرش نخواهند داشت.

۳-۲. زمان نزول سوره بقره

با توجه به اینکه در بحث سبب نزول بودن یک واقعه برای یک آیه، شناخت زمان

واقعه و سنجش نسبت آن با زمان نزول آیه دارای اهمیت است و مطابق تعریف متداول سبب نزول، نزول آیه باید همزمان یا متعاقب یک واقعه صورت پذیرد، لازم است تا حد امکان، زمان نزول سوره بقره و خصوصا آیه ۲۶۲ این سوره بررسی شود. در نتیجه این بررسی، چنانچه مشخص شود فاصله زمانی قابل توجهی بین نزول آیه و حادثه مورد نظر وجود دارد و همزمانی آن‌ها ممکن نیست، سبب نزول بودن آن حادثه (طبق تعریف سبب نزول) قابل پذیرش نخواهد بود.

شایان ذکر بوده تعیین زمان دقیق نزول آیات نیازمند واکاوی تفصیلی است و فرصت مستقلی را طلب می‌کند، اما در این بخش سعی می‌شود دیدگاه‌های تعدادی از مفسران در زمینه زمان نزول سوره بقره ارائه گردد و تا حد امکان، دیدگاه‌های مختلف در این زمینه تبیین شود. سوره بقره نخستین (زرکشی، ۲۸۱/۱؛ معرفت، ۱۳۷/۱) یا دومین (بیهقی، ۱۴۳/۷؛ یعقوبی، ۴۳/۲) سوره نازل در مدینه است اما باید گفت به جهت کثرت آیات و مضامین، احتمالاً آیات آن در زمان‌های مختلفی نازل شده‌اند (دروزة، ۱۲۳/۶ و ۱۲۴). علاوه بر این، یکی از آیات مطرح به عنوان آخرین آیه نازل شده، آیه‌ای از سوره بقره (آیه ۲۸۱) است (یعقوبی، ۴۳/۲؛ بیهقی، ۱۳۶/۷ و ۱۳۷؛ زرکشی، ۲۹۸/۱ و ۲۹۹؛ سیوطی، الاتقان، ۱۱۴/۱ و ۱۱۵) که با پذیرش آن، بازه نزول سوره بقره طولانی‌تر شده و تعیین زمان نزول آیات دشوارتر می‌گردد.

با این وجود، برخی از محققان با توجه به نکاتی مانند محتوای آیات، زمان رویدادهای طرح شده در آیات و همچنین سیاق آیات، کوشش‌هایی در جهت تعیین محدوده نزول سوره بقره انجام داده‌اند؛ چنان‌که برای مثال، در تفسیر المنار نزول عمده آیات سوره بقره به ابتدای هجرت مربوط شده است (رشیدرضا، ۹۷/۱). ابن عاشور نیز این سوره را به عنوان نخستین سوره نازل در مدینه یاد می‌کند و می‌گوید: سوره بقره از سال اول تا اواخر آن یا سال دوم هجری نازل شده است. وی با توجه به محتوای برخی آیات، به استمرار نزول اشاره می‌کند و معتقد است نزول آیات سوره بقره در مواردی به بعد از سال هشتم هجری نیز می‌رسد (ابن عاشور، ۱۹۹/۱ و ۲۰۰). از نظر قرطبی سوره بقره در زمان‌های

مختلف نازل شده است (قرطبی، ۱۰۷/۱).

از دیدگاه جوادی آملی، به نظر می‌رسد نزول بخش عمده آیات سوره بقره در ماه رمضان سال دوم هجری همزمان با جنگ بدر پایان یافته و بخش کمی از سوره بقره مانند آیات ۱۹۶-۲۰۳ و ۲۷۵-۲۸۰ و ۲۸۱ بعد از جنگ بدر نازل شده است. از جمله شواهد این دیدگاه، انعکاس حوادث سال‌های اول و دوم هجری در سوره بقره و عدم بازتاب رخدادهای اواسط و اواخر هجرت در این سوره است (جوادی آملی، ۳۹/۲-۴۱). در برخی تحقیقات نیز اشاره شده علی‌رغم نزول تدریجی سوره بقره و دارا بودن چند واحد نزول، ظاهراً نزول مجموع سوره در سال دوم هجری بوده است (باقری، ۲۲-۳۵). به علاوه الجابری تأکید دارد که نزول سوره بقره احتمالاً از اواخر سال نخست هجری تا اواخر سال دوم هجری ادامه داشته است (الجابری، ۵۲/۳ و ۵۳).

با توجه به این موارد، مشاهده می‌شود که اتفاق نظر درباره محدوده زمانی نزول سوره بقره وجود ندارد و از این رو نمی‌توان با تکیه بر تعیین زمان نزول سوره، به رد یا پذیرش سبب نزول‌های نقل شده برای آیه ۲۶۲ بقره پرداخت.

بدیهی است مطابق نظر مدافعان این دیدگاه که نزول اکثر آیات سوره بقره، از جمله آیه ۲۶۲، تا اواخر سال دوم هجری به انجام رسیده است، رویدادهایی که به سال‌های پایانی حیات پیامبر ﷺ مربوط است (بخاطر فاصله زمانی زیاد بین رویداد و نزول آیه) واجد شرایط لازم به عنوان سبب نزول نخواهد بود.

بنابراین مطابق دیدگاه کسانی که زمان نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره را تا اواخر سال دوم هجری فرض می‌کنند، سبب نزول بودن کمک عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف برای سپاه مسلمانان به سوی تبوک که در سال نهم هجری به انجام رسیده، به جهت وجود فاصله زمانی (چندین سال)، واجد شرایط پذیرش نخواهد بود.

ع- دیدگاه تکرار نزول

در کنار آنچه درباره اهمیت زمان نزول یک آیه و رویداد مرتبط با آن در بحث سبب

نزول ذکر شد، بیان این نکته نیز لازم است که چنانچه نظریه تکرر نزول مورد پذیرش باشد، برای سبب نزول‌هایی که همزمان نیستند و بطلان آن‌ها دلیلی ندارد، ضروری نیست که صرفاً یک سبب نزول از میان آن‌ها پذیرفته شود. توضیح آنکه اگر پس از مجموع بررسی‌ها، همچنان سبب نزول‌هایی واجد شرایط پذیرش باشد و از طرف دیگر قابل جمع با همدیگر نیز نباشند، براساس دیدگاه کسانی که قائل به نظریه تکرر نزول هستند، می‌توان این سبب نزول‌ها را مورد پذیرش قرار داد (برای نمونه توجه به نظریه تکرر نزول نک: زرکشی، ۱۲۳/۱-۱۲۵؛ سیوطی، الاتقان، ۱/۱۴۰ و ۱۴۱؛ عاملی، الصحيح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، ۲۰/۲۷۹، ۷/۴۲، ۲۸/۸۰ و ۸۱، ۳۱/۳۱ و ۳۳۵، ۳۲/۳۷-۳۹). از سوی دیگر، براساس دیدگاه کسانی که نظریه تکرر نزول را نمی‌پذیرند، راه‌هایی برای ترجیح و جمع روایات سبب نزول قابل فرض است و از همین رو، یک سبب نزول مورد پذیرش نهایی خواهد بود.

نتایج مقاله

۱- مطابق دیدگاه کسانی که زمان نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره را تا اواخر سال دوم هجری فرض می‌کنند، سبب نزول بودن جنگ تبوک که در سال نهم هجری رخ داد، به جهت وجود فاصله زمانی، واجد شرایط پذیرش نخواهد بود اما در شرایطی که زمان نزول آیه تا سال‌های بعدی نیز محتمل فرض شود، همچنان جنگ تبوک می‌تواند به عنوان سبب نزول آیه محل بررسی واقع گردد.

۲- با توجه به آنچه درباره اموال یا کمک‌های عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف نقل شده، پذیرش کمک آن‌ها برای تجهیز سپاه مسلمانان در جنگ تبوک اجمالاً قابل قبول به نظر می‌رسد اما ذیل شرح حال آن‌ها نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره در شأن آن‌ها ذکر نشده است و این مطلب، سبب نزول بودن کمک آن‌ها (برای آیه ۲۶۲ سوره بقره) را با چالش همراه می‌سازد.

۳- دو سبب نزول نخست با سیاق آیه که تشویق به انفاق است، هماهنگی و تناسب دارد و از این منظر دارای چالش خاصی برای پذیرش نیست اما شایان ذکر بوده که در گزارش‌های مربوط به آیات نازلۀ درباره جنگ تبوک، نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره ذکر نشده است؛ بلکه در ارتباط با کمک‌های صورت گرفته از آیه ۴۴ سوره توبه یاد شده که به کمک فرد خاصی مربوط نگردیده است.

۴- آنچه در روایت ابوسعید خدری درباره دعای پیامبر ﷺ و نزول آیه آمده، در گزارش‌های مرتبط فاقد اشاره به نزول آیه است و این امر می‌تواند یک ضعف برای این روایت به عنوان سبب نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره شمرده شود.

۵- خرید و بخشش چاه رومه - در صورت وقوع - به زمانی غیر از جنگ تبوک مربوط است و به نزول آیه درباره آن اشاره نشده است و می‌توان گفت ارتباط نزول آیه ۲۶۲ سوره بقره با چاه رومه شاهی ندارد.

کتابشناسی

١. قرآن کریم.
٢. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، السنة، بیروت، المكتب الاسلامی، چاپ اول، ١٤٠٠ق.
٣. ابن اثیر، علی بن احمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق خليل مأمون شیحا، بیروت، دار المعرفة، چاپ چهارم، ١٤٣٠ق.
٤. همو، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر، بی جا، ١٣٩٩ق.
٥. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، صفة الصفوة، تخريج و تعليق عبد الرحمن اللادقی و حياة شیحا اللادقی، بیروت، دار المعرفة، چاپ چهارم، ١٤٢٢ق.
٦. همو، التنصرة، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٧. همو، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبد الرزاق المهدي، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول، ٢٠٠١م.
٨. ابن جوزی (سبط ابن الجوزی)، یوسف بن قراوغلی، مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان، تحقیق و تعليق عمار ریحای، دمشق، الرسالة العالمیة، چاپ اول، ١٤٣٤ق.
٩. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٣٢٨ق.
١٠. همو، تهذیب التهذیب، بی جا، دار الفکر، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
١١. همو، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تصحیح و تحقیق محب الدین الخطیب، القاهرة، دار الریان للتراث، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
١٢. ابن حدیفة، محمد بن علی، المصباح المضی فی کُتاب النبی الأمی و رسله، تصحیح و تعليق محمد عظیم الدین، بیروت، عالم الکتب، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
١٣. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٤. ابن حنبل، عبدالله بن احمد، فضائل عثمان بن عفان، تحقیق أبی مصعب طلعت بن فؤاد الحلوانی، السعودیة، دارماجد عسیری، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١٥. ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ١٤٢٤ق.
١٦. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، داربیروت، بی جا، ١٤٠٥ق.
١٧. ابن سمعون، محمد بن احمد، أمالی ابن سمعون، تحقیق عامر حسن صبری، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
١٨. ابن شبة، عمر، تاریخ المدينة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، بی جا، ١٤١٠ق.
١٩. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٠. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، (بهامش الاصابة فی تمييز الصحابة)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٣٢٨ق.
٢١. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، بی جا، ١٤١٥ق.
٢٢. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٣. ابن قانع بغدادی، عبد الباقي، معجم الصحابة، تحقیق خليل ابراهيم قوتلای، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٢٤. ابن قتیبة دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، قم، منشورات الرضی و منشورات زاهدی، بی جا، ١٣٨٨ق.
٢٥. همو، المعارف، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، ٢٠١١م.

۲۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، تحقيق أحمد أبوالمحم و علي نجيب عطوى و فؤاد السيد و مهدى ناصر الدين و علي عبدالساتر، جلد ۵، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ق.
۲۷. همو، البداية و النهاية، تحقيق أحمد أبوالمحم و علي نجيب عطوى و فؤاد السيد و مهدى ناصرالدين و علي عبدالساتر، جلد ۷، بيروت، دار الكتب العلمية، بی‌جا، بی‌تا.
۲۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاريخ دمشق لابن عساکر، دمشق، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۹. ابن هشام، السيرة النبوية، تعليق و تخريج عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ هفتم، ۱۴۲۰ق.
۳۰. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فى التفسیر، بعناية زهير جعید، بيروت، دارالفکر، بی‌جا، ۱۴۲۰ق.
۳۱. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بيروت، دار الكتاب العربى و قاهره، دار الریان للتراث، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. همو، فضائل الخلفاء الأربعة و غیرهم، تحقيق صالح بن محمد العقيل، قاهرة، مؤسسة تبوک، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
۳۳. همو، معرفة الصحابة، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۴. امینى، عبدالحسین احمد، الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.
۳۵. باقرى ده‌آبادى، بتول، «تاریخ‌گذاری (زمان شناسی) سوره‌های مدنی قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما جعفر نکونام، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ۱۳۸۲ش.
۳۶. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، المكتبة العصرية، بی‌جا، ۱۴۳۵ق.
۳۷. بغوى، حسين بن مسعود، تفسير البغوى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۸. بغوى، عبدالله بن محمد، معجم الصحابة، تحقيق محمد الأمين بن محمد محمود أحمد الجكنى، كويت، مكتبة دار البيان، بی‌جا، بی‌تا.
۳۹. بلاذرى، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى و به اشرف مكتب البحوث و الدراسات فى دار الفكر، بيروت، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۴۰. بيهقى، احمد بن حسين، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، تعليق و تخريج عبدالمعطي قلجعى، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۴۱. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۴۲. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبى، تحقيق ابومحمد بن عاشور، بيروت، دار احیاء التراث العربى، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۴۳. جابرى، محمد عابد، فهم قرآن حکيم (تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول)، ترجمه محسن آرمین، تهران، نی، چاپ اول، ۱۴۰۰ش.
۴۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۱۲، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۴۵. همو، تسنیم، جلد ۲، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۴۶. حازمى، محمد بن موسى، الأماکن أو ما اتفق لفظه و افرق مسماه من الامکنة، بی‌جا، بی‌تا، بی‌جا، بی‌تا.
۴۷. حاکم نيسابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، به اشرف يوسف عبدالرحمن المرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، بی‌جا، بی‌تا.
۴۸. حبرى، حسين بن الحكم، تفسير الحبرى، تحقيق سيدمحمدرضا حسینی، بيروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۳۳ق.
۴۹. حسنى، هاشم معروف، سيرة المصطفى "نظرة جديدة"، بيروت، دار التعارف، بی‌جا، ۱۴۰۶ق.
۵۰. همو، سيرة المصطفى، ترجمه حميد ترقى جاه، تهران، حکمت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵۱. خازن، على بن محمد، تفسير الخازن المسمى لباب التأويل فى معانى التنزيل، ضبط و تصحيح عبدالسلام محمدعلى شاهين، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۵۲. خوش خاضع، محمد جمال الدين، «تحليل گفتنمان آیات، روشی برای ارزیابی متن روایات سبب نزول (مطالعه

- موردی سوره انسان»، رساله دکتری، استاد راهنما سیدکاظم طباطبایی، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵ش.
۵۳. دروزه، محمد عزة، التفسیر الحدیث : ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۵۴. دیاربکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس، بیروت، مؤسسة شعبان، بی‌جا، بی‌تا.
۵۵. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، جلد «عهد الخلفاء الراشدين»، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۵۶. همو، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، جلد «المغازی»، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۵۷. همو، سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ هفتم، ۱۹۹۰م.
۵۸. رشیدرضا، سیدمحمد، تفسیر القرآن العظیم المعروف بتفسیر المنار، تعلیق و تصحیح سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا.
۵۹. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، جمال حمدی الذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت، دار المعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶۰. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی (بحر العلوم)، تحقیق و تعلیق محب الدین ابوسعید عمر بن غرامة العمروی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۶۱. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، تحقیق محمد محی الدین عبدالمجید، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ق.
۶۲. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق و تعلیق فواز احمد زمزلی، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۶۳. همو، جمع الجوامع المعروف بالجامع الکبیر، الأزهر، دار السعادة، بی‌جا، ۱۴۲۶ق.
۶۴. همو، لباب النقول فی أسباب النزول، تخریج و تعلیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول، ۲۰۱۴م.
۶۵. صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، بی‌جا، دار النشر فرانزشتاینر، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۶۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق.^۱
۶۷. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، ۱۳، ۱۴ و ۱۷، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۶۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، تخریج و تعلیق هشام بن عبدالکریم البدرانی الموصلی، اردن، دارالکتب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۶۹. همو، المعجم الأوسط، بی‌جا، قاهره، دار الحرمین، بی‌جا، ۱۴۱۵ق.
۷۰. همو، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی‌تا.
۷۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری المعروف بتاریخ الأمم و الملوک، تصحیح نخبة من العلماء الأجلاء، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
۷۲. عاصمی، عبدالملک بن حسین، سمط النجوم العوالی فی أنباء الاوائل و التنوالی، تحقیق و تعلیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۷۳. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیرة الإمام علی علیه السلام، بیروت، مرکز الاسلامی للدراسات، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق.
۷۴. همو، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، بیروت، مرکز الاسلامی للدراسات، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.

۱. عدد سال نشر چاپ واضحی نداشت و به سختی خوانده شد؛ احتمالاً عدد ۱۳۹۴ مورد نظر بوده است.

۷۵. همو، الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، جلد ۴ و ۷، بیروت، دارالسيرة، بی‌جا، بی‌تا.
۷۶. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير للإمام الفخر الرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی‌تا.
۷۷. فقیه، محمدمحسن، الموسوعة الكبرى فی غزوات النبي الأعظم ﷺ، بی‌جا، مؤسسة الفقیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۷۸. قرضاوی، یوسف، کیف تتعامل مع القرآن العظيم؟، قاهره، دار الشروق، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۷۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۸۰. کاندهلوی، محمد یوسف، حیاة الصحابة، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۸۱. محب الطبری، احمد بن عبدالله، الرياض النضرة فی مناقب العشرة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۸۲. مزی، یوسف، تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، تحقیق احمدعلی عبیر و حسن احمدآغا، بیروت، دارالفکر، بی‌جا، ۱۴۱۴ق.
۸۳. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
۸۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۳۳ق.
۸۵. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۸۶. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۸۷. واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، دراسة و تحقیق مجدی فتحی السید و خیری سعید، القاهرة، المكتبة التوفیقیة، بی‌جا، بی‌تا.
۸۸. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
۸۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۹۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم، موسسه و نشر فرهنگ اهل بیت ﷺ، بیروت، دارصادر، بی‌جا، بی‌تا.

